

## تجربه زیسته پسران نوجوان از ازدواج مجدد مادران

محسن یوسفی<sup>۱</sup>، امین کرایبی<sup>۲</sup>، منصور سودانی<sup>۳</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

### چکیده

**هدف:** ازدواج مجدد مادر می‌تواند همراه با پیامدهای مثبت و منفی برای فرزندان به خصوص پسران باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی تجربه زیسته پسران نوجوان از ازدواج مجدد مادران بود.

**روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ بودند که ۱۶ نفر طبق اصل اشباع نظری به صورت هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود. برای روایی یافته‌ها ابتدا فرایند کدگذاری توسط خبرگان (روایی صوری) بررسی شد. همچنین خود محقق فرایند کدگذاری را مجدد بررسی کرد. پایایی نیز با ضریب توافق کدگذاری توسط دو کدگذار انجام و ۰/۸۵ حاصل شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون در نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد ۵۳ مفهوم، ۱۷ مضمون محوری و ۷ مضمون انتخابی شناسایی شد؛ به طوری که مضامین انتخابی شامل بهزیستی روانی (افکار انحرافی، آسیب روانی و شرایط روانی مساعد)، حمایت عاطفی (خال عاطفی و احساس تنهایی)، تجارب هیجانی (روابط حمایتگر، احساس گناه و عصبانیت)، نگرش به ازدواج (نگرش منفی و ترس)، رفاه اقتصادی (رابط مالی و شرایط دخل و خرج اعضا)، روابط بین‌فردی (طرد شدگی، انزوایی، مواجهه با رفتارهای اجتماعی منفی و استقلال‌طلبی) و پذیرش طلاق (تبعیت از طلاق و ناتوانی در قبول طلاق) بودند.

**بحث و نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت ازدواج مجدد مادر دارای مزایا و آسیب‌هایی برای نوجوانان است، بنابراین برنامه‌ریزان نظام آموزش و پرورش و مشاورین جهت کاهش آسیب‌های ناشی از ازدواج مجدد مادر می‌توانند این دانش‌آموزان را تحت مشاوره و مراقبت بیشتر جهت سازگاری با شرایط جدید و توانمندسازی روانی قرار دهند.

**واژگان کلیدی:** طلاق، ازدواج مجدد مادر، نوجوانان پسر، بهزیستی روانی، پذیرش طلاق

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، mosenyousefi1400@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)، am.koraei@gmail.com

<sup>۳</sup> استاد مدعو، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران / استاد، گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، sodani\_m@scu.ac.ir

## مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین مباحث زندگی بشر است که تداوم نسل‌ها را در پی داشته و زمینه آرامش روحی و روانی برای افراد را شکل می‌دهد (Dainton, 2019). ازدواج و پیوند زناشویی در همه ادیان مورد توجه قرار گرفته و از توجه ویژه‌ای برخوردار است. همچنین ازدواج در کشورهای مختلف با توجه به زمینه و شرایط فرهنگی و اجتماعی متفاوت است (Chaulagain, Kunwar, Watts, Guerrero & Skokauskas, 2019).

در نقطه مقابل ازدواج، طلاق عامل فروپاشی روابط زناشویی است که موجب می‌شود روابط خانواده از هم پاشیده شود و خانواده از رونق خود بیفتد. عوامل متعددی چون تغییر نقش‌های جنسیتی، تغییر انتظارات زناشویی، افزایش سطح خشونت روانی، عاطفی، جسمی و اجتماعی، فقدان مهارت‌های زناشویی و تغییرات فرهنگی و بروز سبک‌های جدید ارتباطات فرازناشویی و ... می‌توانند به طلاق منجر شوند (Azem, McGarry & Maqsood, 2020). مطالعات نشان می‌دهند در همه کشورها میزان طلاق روبه افزایش است؛ به طوری که در برخی مطالعات این میزان تا سال ۲۰۱۷ به ۴۴ درصد رسیده است (Sheykhi, 2020). در ایران نیز میزان طلاق در کشور روبه افزایش بوده است؛ (Rowshani, Tafte & Khosravi, 2019).

از سوی دیگر، یکی از راه‌های کاهش طلاق‌ها و بازگردان زندگی زناشویی ازدواج مجدد است (Eskafi, & Yousefi, 2021). ازدواج مجدد به معنای ایجاد پیمان و تعهد قانونی بین دو نفر (زن-مرد) پس از اتمام زندگی اول در نتیجه طلاق یا فوت همسر و غیره است (Widiastuti, 2021). موضوع ازدواج مجدد با تغییرات اندکی در کل کشورهای جهان نگاه متخصصان علمی را به خود جلب کرده که تاثیرات گسترده‌ای بر وضعیت رفاه و سلامتی فرزندان بعنوان بازماندگان ازدواج قبلی داشته است (Hu, 2020). عامل اساسی گرایش به ازدواج مجدد برای والدین، تنهایی و اثرات منفی آن است. اما این عامل همیشه با پیامدهای مثبت همراه نبوده و گاهی افزایش سطح مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی در برخی ازدواج‌های مجدد خود به عاملی برای اجتناب از ازدواج مجدد تبدیل شده است (Yeung & Park, 2016). مطالعات نشان می‌دهند عوامل چندی همچون ضعف فرزندان در ایجاد پیوندهای صمیمی با خواهران و برادران ناتنی، ناتوانی در هماهنگی با تغییرات محیطی و رفتاری جدید؛ ناتوانی کودکان در مواجهه با تصمیم به ازدواج مجدد والد در تجربه ازدواج مجدد مادر اثرگذار هستند فقدان یک والد می‌تواند فرزندان را از برقراری رابطه اجتماعی برجسته با سایرین محروم کند و گرایش به خودکشی را در آنها افزایش دهد و شاید ازدواج مجدد والدین بتواند این حلقه مفقوده را بازیابی کند ولی همیشه نتیجه مثبت نخواهد بود و شاید حضور یک والد دیگر بتواند کمک کننده و یا شرایط را سخت‌تر کند (Becker & etal, 2013; Hu & etal, 2018). پژوهش‌های دیگری نشان داده‌اند ۷۰ تا ۸۰ درصد از زنان و مردانی که پس از اتمام زندگی اول به هر دلیلی، مجدد ازدواج می‌کنند بیشتر در معرض خطر از هم پاشیدگی قرار دارد (Jensen & etal, 2017).

برخی صاحب‌نظران نیازهای عاطفی را در تصمیم به ازدواج مجدد را مهم دانسته‌اند (Cherlin, 2017). نظریه اقتصادی ازدواج به مثابه بازار نیز معتقد است که در بازار ازدواج مجدد سنتی، زنانی که از نظر اقتصادی در موقعیت ضعیف و وابسته قرار دارند نیاز بیشتری به شریک زندگی دارند و مردان سنتی نیز تمایل خواهند داشت تا از آنها حمایت اقتصادی داشته باشند. زنان متأهل که در دوران ازدواج در بازار کار نقش نداشته‌اند پس از طلاق موقعیت ضعیف‌تری در بازار کار خواهند داشت. این زنان ممکن است از نظر مالی استقلال کمتری داشته باشند و بنابراین نیاز مالی بیشتری به یک شریک زندگی دارند (Naseri & Yazdkhasti, 2020). نظریه طرد اجتماعی نیز معتقد است در حوزه روابط با فامیل و آشنایان و در محل کار و اجتماع، زنان مطلقه طرد اجتماعی و اقتصادی را تجربه می‌کنند. افراد وقتی ازدواج می‌کنند شبکه‌های ارتباطی آن‌ها کوچکتر می‌شود و بیشتر متصل است به شبکه شریک زندگی‌شان. پس از طلاق یا فوت همسر، برای بسیاری از زنان مشکل است که شبکه‌ی جدید ارتباطی و مشارکت اجتماعی شکل دهند. هر ساختاری که باعث شود چرخه‌ی طرد اجتماعی شکل بگیرد، توانمندی‌زدا است و هر عاملی که باعث شود مردم در اجتماع فعالیت

کنند، توانمندساز است (Yekleh, Mohsenzade & Zaharakar, 2018). نظریه ارزش‌های فرهنگی نیز معتقد است در همسرگزینی همواره معیارها و ضوابطی بر پایه‌ی ارزش‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. مردم با ارزش‌های رهایی‌بخش، کمتر از نهاد ازدواج حمایت می‌کنند. ترجیح آنها برای ازدواج ضعیف‌تر است، و یا اینکه آنها به آسانی تابع یک جبر اخلاقی برای ازدواج نیستند. مطالعات نشان می‌دهد که ازدواج دیررس، هم‌خانگی، نداشتن فرزند و طلاق بیشتر در میان زوج‌هایی با ارزش‌های سنتی کمتر متداول است (Nasari & Yazdkhasti, 2020).

در مورد ازدواج مجدد مادر پژوهش‌های اندکی انجام شده است. در پژوهشی (Eskafi & Yousefi, 2021) نتیجه گرفتند دلایل اصلی مادران برای ازدواج مجدد شامل انزوای اجتماعی، شرایط فرهنگی و پاسخ به زندگی مادی و معنوی است. در پژوهشی (Mohammadi & Mohammadi, 2019) نتیجه گرفتند که چالش ازدواج مجدد مادران با حضور فرزند شامل مشکلات رفتاری و سازگاری فرزندان، حضور فرزند به‌عنوان مانع، پذیرفتن یا نپذیرفتن ازدواج مجدد از جانب فرزند است. (Rahemi, 2016) در پژوهشی نتیجه گرفت پذیرش اجتماعی، پیوند اجتماعی، فشار اقتصادی و تعداد فرزندان به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر گرایش به ازدواج است. در پژوهشی (Abdi, 2015) نتیجه گرفت بین ازدواج مجدد والدین و بزهکاری پسران نوجوان ارتباطی وجود ندارد، هم‌چنین بین ارضاء نیازهای عاطفی و بزهکاری پسران رابطه معنادار و مثبت و میان علاقه و وابستگی به خانواده و بزهکاری نیز رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. در پژوهشی (Ansroudi, 2014) نتیجه گرفت سلامت عمومی فرزندان تک‌والدی بالاتر از سلامت عمومی فرزندان است که مادران‌شان ازدواج مجدد کرده‌اند، ۲- کیفیت زندگی فرزندان تک‌والدی بالاتر از کیفیت زندگی فرزندان است که مادران‌شان ازدواج مجدد کرده‌اند و دل بستگی به مادر فرزندان تک‌والدی بالاتر از دل بستگی به مادر فرزندان است که مادران‌شان ازدواج مجدد کرده‌اند. در پژوهشی (Anderson, 2014) نتیجه گرفت کودکانی که با والدین بیولوژیک متاهل خود زندگی می‌کنند به‌طور مداوم از سلامت جسمی، عاطفی و تحصیلی بهتری برخوردار هستند. در پژوهشی (Poursaleh Kachumthqali, 2011) نتیجه گرفت سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی فرزندان پسری که والدینشان ازدواج مجدد کرده‌اند با خانواده‌های عادی و تک‌والدینی را انجام داده‌اند در سطح پایین‌تری است.

در مورد ضرورت پژوهش حاضر باید گفت به‌طور کلی طلاق آسیب‌های جدی و مختلفی برای طرفین و به‌خصوص برای فرزندان دارد. به همین سان نیز، ازدواج مجدد نیز می‌تواند به دلایلی مختلفی دارای پیامدهای مثبت و منفی برای فرزندان باشد و این اثرات منفی ممکن است به اندازه طلاق و حتی بیشتر باشد که از این نظر چالش‌های زیادی برای فرزنده خوانده به وجود می‌آید. مطالعات انجام شده فعلی، بیشتر به بررسی اثرات طلاق بر فرزندان پرداخته‌اند و ازدواج مجدد مادر، کمتر مورد توجه بوده و خلا پژوهشی شکل داده است. از سویی دیگر، در بررسی ازدواج مجدد، محققان بیشتر بر نتایج مثبت و منفی آن از دیدگاه خود طرفین (زوجه) پرداخته‌اند و تجربه زیسته فرزندان کمتر مورد توجه واقع شده است. هم‌چنین اندک تحقیقات حاضر نیز به مطالعه کمی پرداخته‌اند و خلا مطالعات کیفی مشهود است. نتایج این پژوهش می‌تواند دانش افزایی ازدواج مجدد از دیدگاه فرزندان را در پی داشته باشد و هم‌چنین این تجارب می‌تواند برای استفاده مشاورین خانواده‌ها و سایر دست‌اندرکاران نظام خانواده و حتی نظام آموزشی و پرورش در جهت رصد نوجوانان و مشاوره به آنان مورد توجه واقع شود. بر اساس مطالب ذکر شده، هدف اصلی پژوهش حاضر، تجربه زیسته پسران نوجوان از ازدواج مجدد مادران بود.

## روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر به‌عنوان نمونه متوسطه دوم شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ بودند که ۱۶ نفر بر اساس روش اشباع نظری به صورت هدفمند انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل دانش‌آموزان دارای مادر با تجربه ازدواج مجدد بیش از یکبار و دارای

تابعیت ایرانی بود. همچنین ملاک خروج از پژوهش با توجه به اینکه پژوهش ماهیتی غیر بالینی داشت عمدتاً تا جایی که امکان داشت تشویق مشارکت‌کنندگان در پژوهش تا انتهای مصاحبه بود.

شیوه اجرای پژوهش به این شکل بود که ابتدا جهت شناسایی نمونه‌های دارای شرایط مورد نظر، از کادر مدرسه و مشاور مدرسه استفاده شد. همچنین از خود دانش‌آموزان جهت معرفی نمونه‌های مورد نظر کمک گرفته شد. بعد از شناسایی برای مشارکت‌کنندگان، هدف اصلی پژوهش تشریح شد و حتی به آنان گفته شد که مصاحبه به صورت محرمانه و تمام نتایج صرفاً در جهت کار پژوهشی است و نتایج در پایان در صورت درخواست ایشان ارائه می‌شود. بر این اساس تعداد ۲۱ دانش‌آموز دارای شرایط لازم تعیین و هماهنگی جهت انجام مصاحبه‌ها شد. بیشتر مصاحبه‌ها بنابر درخواست برخی از دانش‌آموزان به خاطر همه‌گیری کرونا به صورت تلفنی انجام و تنها ۴ مصاحبه در فضای پارک انجام شد. جهت رعایت ملاحظات اخلاقی اجازه ضبط متن مصاحبه‌ها چه حضوری و تلفنی گرفته شد که مصاحبه‌شوندگان موافقت کردند میانگین هر مصاحبه با توجه به قدرت بیان مشارکت‌کننده و نحوه بیان حدود ۳۵ دقیقه طول کشید. بعد از پایان هر مصاحبه تمام فرایندها پیاده‌سازی شد و نکات مرتبط و نامرتب مشخص می‌شد. در جاهایی که مفهوم مورد نظری مبهم و نیازمند توضیحات بیشتر بود مجدد به متن و در صورت نیاز به مشارکت‌کننده مراجعه مجدد می‌شد.

ابزار پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته (جدول ۱) بود. برای درک تجربه مشارکت‌کنندگان سعی شد مشارکت‌کنندگان محدودیتی در ترتیب و چینش سوالات نداشته باشند و آزادانه هر نکته‌ای که دلالت بر تجربه آنان از ازدواج مجدد مادر داشت مطرح کنند و توسط محقق یادداشت شود. برای اعتبار یافته‌ها ابتدا فرایند کدگذاری توسط خبرگان (روایی صوری) بررسی شد. همچنین خود محقق فرایند کدگذاری را مجدد بررسی کرد. برای پایایی نیز از یک کدگذار مجرب دعوت شد که به تصادف ۳ متن مصاحبه را انتخاب و همراه محقق کدگذاری کند که ضریب توافق کدگذاری ۰/۸۵ شد.

جدول ۱. سوالات مصاحبه: تجربه دانش‌آموزان متوسطه از ازدواج مجدد مادر

ردیف	سوال
۱	دیدگاه شما نسبت به ازدواج مجدد چیست؟
۲	هنگام ازدواج مجدد مادر خودتان چه احساسی داشتی؟
۳	آیا هنگام ازدواج مجدد مادرتان از شما نظر خواسته شد؟ در صورتی که جواب مثبت بود چگونه مشورت دادید؟
۴	تصور اولیه شما قبل و بعد از ازدواج مجدد مادرتان چگونه بود؟
۵	رابطه پدر جدید شما چگونه بود؟
۶	عواطف و حس مادری مادرتان بعد از ازدواج مجدد چگونه بود؟
۷	ازدواج مجدد مادرتان چه مزایایی برای شما داشت؟
۸	شرایط زندگی شما بعد از ازدواج مجدد مادرتان چگونه شد؟
۹	ازدواج مجدد مادرتان روی تحصیل شما چه اثری داشت؟
۱۰	پیوند شما با دوستان و آشنایان بعد از ازدواج مادرتان چگونه بود؟
۱۱	مهمترین مشکلاتی که با ازدواج مجدد مادرتان برایتان ایجاد شد کدام بودند؟
۱۲	هر نکته و موضوعی که راجع ازدواج مجدد در ذهنتان هست بفرمایید بیان کنید.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل مضمون در نرم افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد.

### یافته‌ها

ابتدا برخی از ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان (پایه تحصیلی، تعداد خواهر و برادر و تعداد ازدواج مادر) در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. برخی از مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد	متغیر	فراوانی	درصد
<b>پایه تحصیلی</b>					
دهم	۳	۱۶/۷۵	دیپلم	۹	۵۶/۲۵
یازدهم	۶	۳۷/۵۰	کارشناسی	۵	۳۱/۲۵
دوازدهم	۷	۴۳/۷۵	ارشد	۲	۱۲/۵۰
<b>خواهر</b>					
خواهر تنی	۹	۵۶/۲۵	خانه دار	۷	۴۳/۷۵
خواهر ناتنی	۷	۴۳/۷۵	شغل آزاد	۵	۳۱/۲۵
<b>برادر</b>					
برادرتنی	۵	۳۱/۲۵	سن مادر	۴	۰/۲۵
برادرناتنی	۱۱	۶۸/۷۵	بین ۲۵ تا ۳۰	۲	۱۲/۵۰
<b>سابقه ازدواج مجدد مادر</b>					
۱ بار	۱۳	۸۱/۲۵	۳۶ تا ۴۰	۷	۴۳/۷۵
۲ بار	۲	۱۲/۵۰	بیشتر از ۴۰	۳	۱۶/۷۵
۳ بار	۱	۶/۲۵			

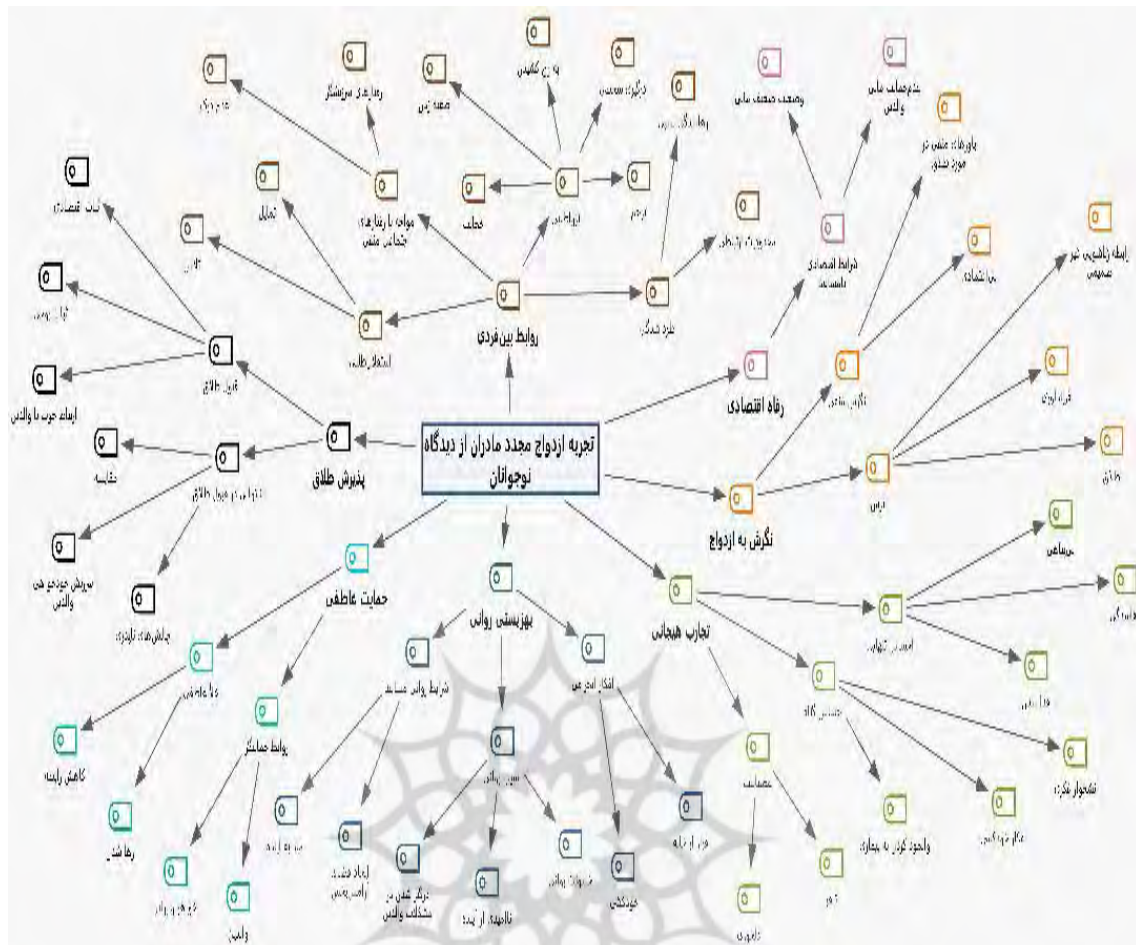
نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد بیشتر مشارکت‌کنندگان (۷ نفر) در پایه دوازدهم بودند. از نظر تعداد خواهر و برادر(تنی و ناتنی) نیز خواهر تنی (۵ نفر) بیشترین و برادر ناتنی (۸ نفر) بیشترین بودند. بیشتر مادران آنان دارای مدرک تحصیلی دیپلم (۹ نفر) و شغل خانه‌داری نیز (۷ نفر) بودند. همچنین گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال بیشترین بودند. در جدول (۳) نیز فرایند کدگذاری به روش تحلیل مضمون تبدیل جملات و عبارت به مفاهیم، مضامین محوری و انتخابی ارائه شده است.

جدول ۳. مفاهیم، مضامین محوری و انتخابی حاصل از تجربه ازدواج مجدد مادران از دیدگاه پسران نوجوانان

مضامین انتخابی	مضامین محوری	مفاهیم	جملات/عبارات
افکار انحرافی		فرار از خانه	افکار فرار از خانه به علت مخالف ناپدری با او، فکر کردن به فرار از خانه
		خودکشی	فکر کردن دائمی به خودکشی، افکار خودکشی برای جلب توجه والدین
بهزیستی روانی	آسیب روانی	خشونت روانی	درگیری در بحث خانوادگی با والد سرپرست، شرایط زندگی نامناسب به علت اعتیاد والد سرپرست، بی توجهی والد سرپرست به وضعیت فرزندان، قرار گرفتن تحت آزارهای مادر به علت مشکلات روانی، حق دادن به پدر برای ازدواج مجدد به علت آزارهای مادر
		ناامیدی از آینده	ناامید از آینده، تصور نبود آینده در شرایط پیش آمده، تأثیر بد طلاق بر آینده بچه‌ها، سرنوشت بد برای بچه‌های طلاق
			تلاش برای بهبود شرایط روحی والد سرپرست، درگیری روانی شدید مادر و انتقال به فرزندان، برانگیختن حس ترحم فرزند و وارد کردن او درون ماجرای طلاق، عدم بهبود وضعیت روانی به علت وارد شدن به مشکلات والدین، وارد شدن به مشکلات والدین، بهبود نیافتن جو روانی خانه پس از طلاق والدین، درگیری روانی فرزند در مشکلات طلاق، فکر نکردن به مستقل شدن به علت مشکلات مادر، نداشتن آرامش ذهنی به علت وضعیت روحی بد مادر، شنیدن مشکلات مادر و فراموشی خود، دلداری دادن به مادر

شرایط روانی مساعد	ایجاد فضای آرامش‌بخش	کسب آرامش نسبی به علت جدایی والدین و قطع نزاع‌ها، کاهش نگرانی فرزند از آینده، شفاف‌سازی علت ارائه حضانت، وارد نکردن فرزند درون اختلافات سبب آسیب ندیدن او، ضرورت فراهم آوردن شرایطی برای آرامش روانی فرزندان، داشتن آرامش نوجوان به علت وجود آرامش در رابطه، ضرورت فراهم آوردن فضایی آرامش‌بخش برای فرزندان، آسیب کمتر در صورت دریافت حمایت دوجانبه والدین،	
	امید به آینده	تلاش برای بهبود، تلاش برای تأثیر نگذاشتن طلاق بر روحیه زندگی، تلاش برای آغاز زندگی مشترک موفق، تلاش جهت بهبود وضعیت خود، ضرورت نترسیدن از آینده، عدم تممیم زندگی والدین به زندگی آینده خود	
روابط حمایتگر	والدین	وجود رابطه خوب با هر دو والد، وجود رابطه با رابط با والدین	
	خواهر و برادر	همدردی و درد دل با خواهر، رابطه خوب با خواهر کوچک‌تر، رابطه خوب با خواهر، درد و دل با خواهر و برادرها	
حمایت عاطفی	کاهش رابطه	ارتباط کم‌رنگ با دو برادر مستقل، کاهش تدریجی رابطه عاطفی با پدر به علت طلاق والدین، کاهش رابطه عاطفی با والدین پس از طلاق	
	خلأ عاطفی	رها شدن	عدم ارتباط با مادر زندگی با خواهر بدون ارتباط با پدر و مادر، نداشتن ارتباط با مادر، نبود حمایت عاطفی والدین، رها شدن توسط خواهر و برادرهای مستقل، رها کردن فرزند به حال خود توسط پدر، بی‌توجهی خواهران مستقل به وضعیت زندگی برادر، نبود ارتباط با برادر
احساس تنهایی	بی‌پناهی	احساس دوست نداشتن شدن از جانب خانواده، خود را سربار دیگران تصور کردن، احساس مورد اهمیت نبودن، توسط کسی درک نشدن	
	رهاشدگی	رها شدن او و خواهرش توسط والدین، احساس رهاشدگی به علت ازدواج پدر، احساس رها شدن توسط والدین، احساس رها شدگی به علت ازدواج پدر	
	فدا شدن	احساس نابود شدن، فدای خودخواهی‌های والدین شدن، احساس قربانی بودن، احساس قربانی شدن	
تجارب هیجانی	نشخوار فکری	ناراحتی از ناتوانی برای جلوگیری از طلاق، پشیمانی از مخفی نکردن خیانت مادر از پدر، خودخوری زیاد با تفکر در مورد علت طلاق والدین	
	احساس گناه	افکار خودکشی	افکار خودکشی برای ممانعت از طلاق والدین
	وانمود کردن به بیماری	وانمود کردن به افسردگی برای ممانعت از طلاق والدین	
عصبانیت	تنفر	تنفر از پدر به علت بی‌اعتنایی به شرایط نوجوان، تنفر از مادر به علت رها کردن او، تنفر از پدر و مادر به علت خودخواهی، آرزوی تقاضا پس دادن برای پدر و مادر، تنفر از پدر به علت خیانت به مادر، تنفر از والدین به علت بی‌تفاوت بودن به نوجوان، تنفر از پدر و مادر به علت شرایط موجود، تنفر از مادر به علت اهمیت قائل نشدن به او	
	دلخوری	دلخوری از والد غایب به علت از بین بردن خانواده، دلخوری از والد سرپرست به علت تممیم به طلاق، دلخوری از والد سرپرست به علت درگیری در اعتیاد، دلخوری از والد غایب به علت خودخواهی، دلخوری از مادر به علت بی‌توجهی به سرنوشت فرزندان، دلخوری از والدین به علت قبول نکردن مسئولیت فرزندان	
نگرش به ازدواج	باورهای منفی در مورد طلاق	خوب نبودن طلاق به علت شرایط مالی نامساعد، خوب نبودن طلاق به علت درگیری روانی فرزندان، طلاق یعنی ظلم به بچه‌ها، تلقی طلاق به‌عنوان وحشتناک‌ترین اتفاق زندگی	
	نگرش به ازدواج	بی‌اعتمادی	عدم اعتماد به زنان
ترس	رابطه زناشویی	ترس از سرکوفت شنیدن از همسر آینده به علت طلاق والدین، ترس از خیانت کردن به همسر در آینده، ترس از زندگی با همسر به علت ترحم	
	فرزندآوری	ترس از ایجاد سرنوشتی مشابه خود برای فرزندان، ترس از بچه‌دار شدن به علت ترس از طلاق	

			تلاش برای تکرار نشدن طلاق به علت ترس از طلاق، ترس از تجربه طلاق و اهمه در مورد وقوع دوباره تجربه، تصمیم به طلاق نگرفتن در آینده، طلاق نگرفتن در صورت به بن بست رسیدن رابطه خود در آینده
رفاه اقتصادی	شرایط اقتصادی نامساعد	وضعیت ضعیف مالی	درگیری ذهنی در مورد کسب درآمد و کمک به مادر، وضعیت مالی نامساعد، وضعیت مالی ضعیف به علت درگیری در اعتیاد، ضربه خوردن از طلاق به علت وضعیت مالی ضعیف، دست و پنجه نرم کردن با وضعیت مالی نامناسب
		عدم حمایت مالی والدین	عدم دریافت حمایت مالی از ناپدری، وضعیت اقتصادی نامناسب به علت عدم حمایت والدین، شرایط مالی ضعیف پدر به عنوان والد سرپرست، وضعیت بد اقتصادی به علت عدم حمایت پدر، کوتاهی پدر در تأمین هزینه‌های فرزند، عدم حمایت مالی پدر از فرزند
		محدودیت ارتباطی	محدود شدن روابط تنها با دوستان فرزند طلاق
	طرد شدگی	رهاشده‌گی نسبی	طرد شدن از جانب خانواده خواهر
		طغنه زدن	فرار از ارتباطات قبلی برای ممانعت از شنیدن کنایه‌ها
		ترحم	کاهش ارتباط با همسالان به علت ترحم
		خجالت	ترس از برقراری رابطه‌های اجتماعی به علت طلاق والدین
روابط بین فردی	انزوایی	درگیری شخصی	فاصله گرفتن از دیگران در اوایل طلاق والدین، کاهش ارتباطات اجتماعی به علت وضعیت روحی نامناسب، کاهش رابطه با اطرافیان به علت درگیری در مشکلات
		به رخ کشیدن	قطع ارتباط با دوستان به علت خوشبخت نمایی خانواده خود، قطع ارتباط با دوستان به علت به رخ کشیدن وضعیت مالی
	مواجهه با رفتارهای	رفتارهای سرزنشگر	عذاب کشیدن به علت شنیدن دائمی سرکوفت‌ها، آزرده شدن به علت نگاه‌های سنگین اطرافیان، شنیدن طغنه و کنایه از دیگران، نگاه سرزنشگر اطرافیان
	اجتماعی منفی	عدم درک	ناتوانی اطرافیان در درک شرایط
		تمایل	تمایل به استقلال جهت رسیدن به آرامش فکری، عدم تمایل به زندگی با والدین، زندگی کردن با اجبار کنار پدر
		تلاش	تلاش برای مستقل شدن و جدا شدن از والد سرپرست، تلاش برای مستقل شدن به علت نبود پدر و مادر، تلاش برای مستقل شدن به علت مخالف ناپدری با او
		ارتباط خوب با والدین	پذیرش طلاق والدین به علت رابطه خوب با والدین
		ثبات اقتصادی	پذیرش طلاق در صورت داشتن شرایط اقتصادی مناسب، مشکل نداشتن طلاق در صورت حمایت اقتصادی دوجانبه از فرزند
پذیرش طلاق		ثبات روحی	پذیرش طلاق و تلاش برای بهبود آینده خود، آرامش مادر یکی از عوامل مثبت برای قبول طلاق، پذیرش طلاق به علت قرارگیری در شرایط روحی مناسب، پذیرش طلاق به عنوان امری گاهاً ضروری برای رسیدن به آرامش، کنار آمدن با طلاق به علت ثبات روحی والدین، آسیب کمتر در صورت دریافت حمایت روانی دوجانبه والدین
		مقایسه	غبطه خوردن به شرایط مساعد خواهر، مقایسه شرایط خود با دوستان، مقایسه والدین خود با سایر والدین، مقایسه دائمی پدر خود با ناپدری، حسرت خوردن هنگام مقایسه خود با همسالان
	ناتوانی در قبول طلاق	سرزنش خودخواهی والدین	خودخواه تلقی کردن والدینی که طلاق می‌گیرند، انتظار از والدین برای تحمل شرایط به خاطر فرزندان، ناتوانی در درک علت طلاق والدین سرزنش والدین به علت خودخواهی، سرزنش والدین به علت خودخواهی خود
		چالش‌های ناپدری	مشکلات و درگیری‌های سبک و سنگین سازگاری با ناپدری



شکل ۱. خروجی نرم افزار (Maxqda) مضامین فرعی و محوری تجارب تجربه زیسته پسران نوجوان از ازدواج مجدد مادران

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تجربه زیسته پسران نوجوان از ازدواج مجدد مادران خود بود. یافته‌های پژوهش نشان داد ۷ مضمون انتخابی (شامل بهزیستی روانی، حمایت عاطفی، تجارب هیجانی، نگرش به ازدواج، رفاه اقتصادی، روابط بین فردی و پذیرش طلاق) از دیدگاه دانش‌آموزان برای ازدواج مجدد مادران شناسایی شد.

یکی از یافته‌های محوری پژوهش، بهزیستی روانی بود. این یافته با نتایج مطالعات Eskafi & Yousefi (2021) و Mohammadi & Mohammadi (2019) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت کیفیت روانی نوجوانان به خاطر شرایط خانواده‌های خود متفاوت است. در تشکیل خانواده جدید پدری، چنانچه پدر بتواند زمینه تعاملات صمیمی بین خود و فرزند را فراهم کند می‌توان گفت تا حدود زیادی سلامت روانی نوجوان در شرایط بهتری قرار خواهد گرفت. از سویی دیگر، مادر نیز می‌تواند در سلامت روانی نوجوان بسیار حایز اهمیت باشد. نحوه برقراری تعاملات مادر و کیفیت زندگی در شرایط زندگی جدید و سازگاری فرزند با آن بسیار مهم است. لذا می‌توان گفت اگر والدین بتوانند در ازدواج بعدی، زمینه برقراری مناسب با فرزند خود را فراهم کنند تا حد زیادی سلامت روانی نوجوان به خاطر حمایت‌های عاطفی خانواده تامین خواهد شد. از سویی دیگر، باید گفت سلامت روانی نوجوان ناشی از روحيات و نگرش‌های خود آنان نیز است. برخی از نوجوانان پژوهش حاضر افکار خودکشی و فرار از خانه، ناامیدی از آینده و



خشونت روانی ناشی از قرار گرفتن در معرض مشکلات والدین را تجربه کرده بودند و برخی دیگر از نوجوانان در شرایط روانی مساعدتری قرار داشتند و در تلاش بودند که طلاق والدین بر امید به زندگی و روحیه‌ی زندگی آنان تأثیر نگذارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، ازدواج مجدد مادر می‌تواند تأثیراتی بر سلامت روانی نوجوانان بر جای بگذارد.

حمایت عاطفی یافته دیگر پژوهش بود. این یافته با نتایج مطالعاتی مانند (Rahemi (2016) و Abdi (2015) و Ansroudi (2014) همسو است. در تبیین این یافته باید گفت دانش‌آموزان در سنین متوسطه در دوره حساس بلوغ هستند که عواطف نقش مهمی در این دوره و آینده آنان دارد. از سویی فقدان پدر اصلی در ازدواج اول مادر، می‌تواند منبعی پرخاشگرانه برای فرزند باشد. زیرا رابطه پسر - پدر از نظر عاطفی می‌تواند بیشتر از رابطه فرزند-مادر عمل کند. بنابراین، حمایت‌های عاطفی از جانب مادر می‌تواند به دو صورت پشتیبانی از فرزند و یا دور کردن ایشان از حمایت‌های عاطفی باشد. چنانچه مادر بتواند در ازدواج مجدد رابطه عاطفی خود را با فرزند به شکل مطلوب برقرار کند این می‌تواند بخشی از خلا پدر اصلی را جبران کند و چنانچه مادر نیز عواطف محبت‌گونه خود را به دلایل گوناگون از فرزند دریغ کند می‌تواند موجب آسیب‌پذیری روحی و روانی در فرزند و حتی اثرات منفی بر تحصیل او بر جای بگذارد.

یافته دیگر پژوهش، تجارب هیجانی بود. این یافته با نتیجه مطالعه (Ansroudi (2014) همسو است. در تبیین آن باید گفت همه نوجوانانی که دارای تجربه ازدواج مادر خود هستند به یک شکل هیجانات مانند هم ندارند. برخی هیجانات آنان بسیار منفی و آسیب‌زا است و برخی دیگر بنابر میزان روابط با خانواده جدید و قدیم خود هیجانات مثبت‌تری دارند. احساس تنهایی به‌عنوان تجربه‌ی هیجانی شامل تجربه‌ی احساساتی مانند احساس بی‌پناهی، رهاشدگی و فدا شدن است. در مضمون احساس گناه نوجوانان تا حدی تلاش خود برای ممانعت از طلاق والدین را ناکافی می‌دانستند و تا حدی خود را بابت این طلاق سرزنش می‌کردند. همچنین آن‌ها از والدین عصبانی بودند و این عصبانیت در دو شکل تنفر و دلخوری بروز پیدا کرده بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هیجانات نوجوانان به شکل‌های مختلف بسیار تند تا آرام در نوسان است.

یافته دیگر پژوهش، نگرش نسبت به ازدواج مجدد بود. این یافته با نتایج مطالعات (Eskafi & Yousefi (2021) و Mohammadi & Mohammadi (2019) همسو است. نوجوانان به ازدواج منفی بود و تجربه طلاق والدین منجر به شکل‌گیری باورهای منفی در مورد طلاق شده بود. همین‌طور یکی از نوجوانان اشاره کرده بود که به علت رفتارهای مادر خود در پروسه‌ی طلاق، نسبت به زن‌ها بی‌اعتماد شده است. همین‌طور تجربه منفی طلاق سبب شکل‌گیری انواعی از ترس در نوجوانان از جمله ترس از رابطه زناشویی غیرصمیمی، ترس از فرزندآوری و ترس از طلاق شده بود. وضعیت اقتصادی یافته دیگر بود. این یافته با نتایج مطالعات (Rahemi (2016) و Abdi (2015) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان اشاره کرد برخی از نوجوانان اشاره کردند که به علت رفاه مالی راحت‌تر با مسئله طلاق کنار آمدند و از جانب هر دو والد یا یکی از والدین از لحاظ مالی به خوبی تأمین می‌شوند. گروه دیگر از نوجوانان اشاره کردند که بعد از ازدواج والدین دچار مشکلات مالی بسیاری شدند و عواملی مثل وضعیت اقتصادی ضعیف والد سرپرست و همین‌طور عدم حمایت مالی والدین از نوجوان، شرایط بدی را تحمل می‌کنند و این شرایط بد سازگاری پس از طلاق آنان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. نوجوانان هر چه حس استقلال طلبی بیشتری داشته باشند ممکن است خود را بی‌نیاز از والدین و ازدواج جدید آنان ببینند و بنابراین به دنبال تأمین معیشت از راه فردی و توسط کسب درآمد باشند.

یافته دیگر، روابط بین فردی بود. این یافته با نتایج پژوهش (Mohammadi & Mohammadi (2019) همسو است. در مورد این یافته باید گفت به علت طردشدگی از جانب اعضای خانواده، انزوایی (طعن‌زدن، ترحم، پرسشگری و به رخ کشیدن اطرافیان و همین‌طور خجالت و درگیری شخصی خود) و مواجهه با رفتارهای منفی اجتماعی به مشکل روبرو شده بود و نوجوانان از روابط بین فردی برای داشتن روابط سالم و بهبود شرایط روحی برخوردار نبودند و در نهایت میل و تلاش برای استقلال طلبی را در آنان ایجاد کرده بود.

پذیرش طلاق یافته دیگر پژوهش بود. این یافته با نتایج پژوهش (Eskafi & Yousefi (2021 همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت فرزندان در این سنین در دوره بلوغ هستند که عمده شخصیت آنان در همین دوره شکل می‌گیرد. بنابراین دو اقدام برای آنان در رخدادهای ازدواج مادر می‌تواند وجود داشته باشد. نخست یا فرزند باید ازدواج مادر و شرایط زندگی جدید سازگار شود یا پذیرش آن را انکار نماید. در هر دو حالت شرایط زندگی جدیدی برای او شکل می‌گیرد که با زندگی قبلی متفاوت است. لذا، می‌توان نتیجه گرفت پذیرش ازدواج مجدد مادر و یا عدم آن یکی از محوری‌های مهم ازدواج مجدد مادر است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان اشاره کرد در این پژوهش فقط تجربه دانش‌آموزان پسر بود که از این لحاظ نتایج در مورد دختران ممکن است متفاوت باشد. محدودیت دیگر سختی پیدا کردن دانش‌آموزان دارای شرایط لازم بود که این کار چندین ماه صرف زمان برای محقق به همراه داشت. همچنین، به‌خاطر ماهیت کیفی پژوهش، امکان اولویت‌بندی یافته‌ها میسر نبود. پیشنهاد می‌شود محققان در مطالعات آینده تجربه زیسته ازدواج مجدد مادر را از دیدگاه دختران نیز مطالعه کنند. نتایج پژوهش در اختیار مراکز مشاوره قرار گیرد تا مورد استفاده مشاوران قرار بگیرد. پیشنهاد دیگر این است که نظام آموزش و پرورش با شناسایی دانش‌آموزانی که چنین شرایطی دارند دوره‌های توانمندسازی جهت جلوگیری از آسیب‌های روحی و روانی برگزار کند. دبیران و کادر مدرسه در برخورد با چنین دانش‌آموزانی با احساس مسئولیت بیشتری برخورد کنند و خلا عاطفی و ارتباطی در خلا پدر اصلی را برای آنان تا حدودی جبران کنند. همچنین مدرسه در طول سال تحصیلی با مادران چنین فرزندان ارتباط منظم داشته و در جریان وضعیت فرزند در خانه قرار گیرند و چالش‌های آنان بحث و تبادل نظر شود تا مانع بروز رفتارهای ناپه‌نجان بعدی شوند.

### تشکر و قدردانی

از همه دانش‌آموزان عزیزی که در مصاحبه‌ها شرکت داشتند تشکر و قدردانی می‌شود. همچنین از اساتید راهنما و مشاور که توصیه‌های ارزشمند خود را به محقق ارائه کردند کمال قدردانی به عمل می‌آید. لازم به ذکر است منابع مالی پژوهش از سازمان و نهاد خاصی تأمین نشده است لذا بین نویسندگان تعارض منافع وجود ندارد.

## References

- Anderson R, Greene M. (2013). Beyond divorce: research on children in partnered and remarried families. *Family Court Review*, 51(1),119-130.
- Abdi N. (2015). Effects of parental divorce on juvenile delinquency and youth in Kermanshah. *Scientific-Technical Quarterly Danesh Entezami Kermanshah*, 4(19),58-95. (In Persian)
- Azem P, McGarry J, Maqsood A. (2020). Spousal role expectations and marital conflict: Perspectives of men and women. *Journal of Interpersonal Violence*, 37(10), 7082-7094.
- Becker O-A, Salzburger V, Lois N, Nauck B. (2013). What narrows the stepgap? Closeness between parents and adult (step)children in Germany. *Journal of Marriage and Family*, 75(5),1130–1148.
- Cherlin A. J. (2017). Introduction to the special collection on separation, divorce, repartnering, and remarriage around the world. *Demographic Research*, 37(3),1275-1296.
- Chaulagain A, Kunwar A, Watts S, Guerrero A. P, Skokauskas N. (2019). Child and adolescent mental health problems in Nepal: a scoping review. *International Journal of Mental Health Systems*, 13(1),1-8.
- Dainton M. (2019). Equity and relationship maintenance in first marriages and remarriages. *Journal of Divorce & Remarriage*,60(8), 583-599.
- Eskafi M, Yousefi M. (2021). Single mothers' tendency to remarry and the obstacles: A Case on Basic Theory. *Journal of Research and Health*, 11(2),131-138. (In Persian)
- Ferrer A, Pan Y. (2020). Divorce, remarriage and child cognitive outcomes: Evidence from canadian longitudinal data of children. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(8), 636-662.
- Hu Y. (2020). Marital disruption, remarriage and child well-being in China. *Journal of Family*, 41(7), 978-1009.
- Hu Y, To S. (2018). Family relations and remarriage postdivorce and postwidowhood in China. *Journal of Family*, 39(8), 2286-2310.
- Hollingshaus M. S, Smith K. R. (2015). Life and death in the family: Early parental death, parental remarriage, and offspring suicide risk in adulthood. *Social Science & Medicine*, 131, 181-189.
- Jensen T. M, Shafer K, Guo S, Larson J. H. (2017). Differences in relationship stability between individuals in first and second marriages: A propensity score analysis. *Journal of Family Issues*, 38(3), 406-432.
- Sheykhi, M. T. (2020). World perspective od divorce in selected countries: A sociological appraisal. *Middle East Journal of Family Medicine*, 18(6), 66-70.
- Mokitimi S, Schneider M, de Vries P. J. (2018). Child and adolescent mental health policy in South Africa: history, current policy development and implementation, and policy analysis. *International Journal of Mental Health Systems*, 12(1), 1-15.
- Mohammadi R, Mohammadi Z. (2019). Challenges for Remarriage of Women with Children: A Qualitative Study. *Women in Development & Politics*, 17(1), 97-119. (In Persian)
- Naseri E, Yazdkhasti B. (2019). Sociological Factors Related to the Lack of Remarriage of Widows (Case Study: Sponsored Women in Sanandaj). *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 14(1), 31-60. (In Persian)
- Sun Y, Li Y. (2011). Effects of family structure type and stability on children's academic performance trajectories. *Journal of Marriage and Family*, 73(3), 541– 556.

- Reynolds L, Profile T. F. (2020). Divorce rate in the US: Geographic variation, Family Profiles, 20(25), 12-20.
- Rowshani S, Tafte M, Khosravi Z. (2019). Meta-analysis of Divorce Researches in Iran in the Last Two Decades (1998-2018) to Reduce Divorce and Its Negative Consequences for Women and Children. *Woman in Development & Politics*, 17(4), 653-674.
- Poor Saleh Kachumthqali A. (2011). Comparison of general health and academic achievement of remarried boys with normal and single-parent households, Master Thesis, Allameh University, Faculty of Psychology and Educational Sciences. (In Persian)
- Widiastuti D. (2021). Marital satisfaction in individuals who remarry after divorce. in *International Psychological Studies*. Atlantis Press, 530(14), 131-137.
- Yekleh M, Mohsenzade F, Zaharakar K. (2018). Study of quality of remarriage after divorce grounded theory method. *Quarterly journal of social work*, 7 (3), 17-31. (In Persian)
- Yeung W. J, Park H. (2016). Growing up in one-parent families in Asia. *Marriage and Family Review*, 52(1-2), 1-14.
- Zahl-Olsen R, Thuen F, Espehaug, B. (2019). Divorce and remarriage in Norway: a prospective cohort study between 1981 and 2013, *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(8), 600-611.



## Teenage Boys' Experience of Remarriage of Mothers

Mohsen Yousefi<sup>1</sup>

Amin Koraei<sup>2\*</sup>

Mansoor Sodani<sup>3</sup>

### Abstract

**Purpose:** Maternal remarriage can have both positive and negative consequences for children, especially boys. The main purpose of this study was the lived experience of adolescent boys from remarriage of mothers.

**Methodology:** The present study was applied in terms of purpose and qualitative in terms of implementation method. The study population consisted of second grade male high school students in Ahvaz in the academic year 2020-2021, in which 16 people were purposefully selected based on theoretical saturation method. The research tool was semi-structured interviews. To validate the findings, the coding process was first reviewed by experts (face validity). The researcher also re-examined the coding process. Reliability was also obtained with a coding agreement coefficient performed by two coders. The content analysis method in MAXQDA software version 2020 was used for data analysis.

**Findings:** The results showed that 53 concepts, 17 central themes and 7 selected themes were identified; The main themes include (deviant thoughts, psychological damage, favorable psychological conditions, supportive relationships, emotional emptiness, loneliness, guilt, anger, negative attitude, fear, economic conditions, rejection, isolationism, facing negative social behaviors, independence) , And inability to accept divorce) and selective topics (psychological well-being, emotional support, emotional experiences, attitudes toward marriage, economic well-being, interpersonal relationships, and accepting divorce).

**Conclusion:** Based on the results, it can be concluded that mother remarriage has advantages and disadvantages for adolescents, so education system planners and counselors to reduce the harms of mother remarriage can provide these students with more counseling and care to adapt to new conditions and psychological empowerment.

**Keywords:** Divorce, Remarriage of Mother, Adolescent son, Psychological Well-being, Acceptance of Divorce

---

<sup>1</sup>PhD Student in Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran, mosenyousefi1400@yahoo.com

<sup>2</sup> Assistant Professor of Counseling Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (corresponding author), am.koraei@gmail.com

<sup>3</sup> Visiting Professor, Consulting Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran / Professor, Consulting Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, sodani\_m@scu.ac.ir